

در باره رزمندگان آمریکائی با «تهاجم روسیه»

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۰۷/۲۲/ob-amerikanskih-borcah-s-rossiyskoy-agressiyey-۲۸۵۹۰.html>

۱۲ اسد ۱۳۹۳

لایحه «اقدام برای پیشگیری از تهاجم روسیه- ۲۰۱۴» از تاریخ اول ماه مه در مجلس سنای آمریکا در دست بررسی است. این لایحه تقدیمی توسط ۲۶ سناتور جمهوریخواه بسرکردگی باب کورکر به مجلس، پس از دو بار قرائت به کمیسیون امور بین الملل ارجاع گردید. در متن کارزار آغاز شده ضد روسی در پی حادثه «بوئینگ» مالازیایی، توجه به این قانون و خواست تصویب آن از طرف محافل مشخص غربی، ممکن است ناگهان جدیت یابد.

این لایحه جامع الاطراف است و علاوه بر اقتصاد، عرصه های بسیاری، از جمله، بخش مهم نظامی را هم احاطه می کند... به این ترتیب بنظر می رسد بمنظور حفظ تعداد یگانهای آمریکائی در اروپا در سطح کنونی، علاوه بر جابجائی های معمول، تعلیق شش ماهه برای جابجائی نیروهای آمریکائی در قاره اروپا لازم بود. این کار بر خلاف سمت سیاست تعیین شده قبلی مبنی بر تمرکز روی تقویت نظامی آمریکا از اروپا به آسیا و اقیانوسیه انجام می شود. در طرح قانون جدید همچنین تقویت قابل ملاحظه توان نظامی آمریکائی- ناتوی در لهستان و جمهوریهای حوزه دریای بالتیک، ناظر بر استقرار دائمی واحدهای نظامی ناتو در قلمرو آنها پیش بینی شده است. تسریع استقرار سامانه های دفاع موشکی در خاک اروپا و پایان مرحله سوم این استقرار تا آخر سال ۲۰۱۶ نیز لحاظ گردیده است. کشورهای متحده ناتو سیستم دفاع موشکی خود را بموشکهای پاتریوت و موشکهای دفاعی در ارتفاع بالا و دیگر تجهیزات دفاعی تجهیز می نمایند. در این حال، ناتو استفاده از هر گونه قطعات تولیدی روسیه در سیستم دفاع موشکی را ممنوع می کند.

بخش عمده سیاست خارجی «اقدام برای پیشگیری از تهاجم روسیه» را علاقمندی به تقویت همکاری با آلمان تشکیل می دهد. واشنگتن در این اواخر از تشدید روزافزون اختلاف نظر با اتحادیه اروپا، در وهله نخست، در ارتباط با مسئله اوکراین و رابطه با روسیه نگران است. در حال حاضر کشورهای «اروپای جوان» شامل لهستان، رومانی و جمهوریهای حوزه دریای بالتیک

ابزار اصلی اعمال نفوذ آمریکا در امور اروپا محسوب می شوند. در عین حال، صرفنظر از آلمان، که موتور اصلی اقتصاد اروپا شمرده می شود، هیچ اعمال نفوذی در اروپا مؤثر نخواهد بود. دلیل اصلی تلاشهای آمریکا برای تنظیم مناسبات با این کشور پیشرو اتحادیه اروپا نیز همین است. پیشنهادیست قانون تصریح می کند، که دولت آمریکا در مورد مسائل جهانی و امنیت اروپا، بویژه در ارتباط با حوادث اروپا و اوروآسیا با دولت آلمان از نزدیک همکاری خواهد کرد. بدین منظور، لازم است رئیس جمهور گروه کاری آمریکایی - آلمانی تشکیل دهد.

تحریمهای اقتصادی، که بایستی طبق قانون جدید وضع شوند، هشت کمپانی روسیه - بانک پس انداز، بانک و. ت. ب.، بانک اقتصاد خارجی، گازپرم بانک، گازپرم، نواتیکا، روس نفت، صادرات دفاعی روسیه، و حتی مؤسسات تابعه آنها را در برمی گیرد. دایره اشخاص حقیقی که احتمال دارد مورد تحریم واقع شوند، عملاً محدود نیست. هر مقام روسیه، اعضای خانواده یا افراد نزدیک به او که رئیس جمهور آمریکا متخلف از تمامیت ارضی و استقلال اوکراین یا فاسد تشخیص دهد، ممکن است همراه با مدیران ارشد کمپانیهای نامبرده شامل این تحریمها بشود. برغم این، شرایط صرفاً سیاسی، یعنی، «ادامه اشغال کریمه توسط روسیه، تجمع نیروهای ارتش روسیه در مرز با اوکراین و حمایت روسیه از نیروهای مردمی دنباس»، دلیل اصلی تحریمهای اقتصادی شمرده می شود. جالب است، که لایحه قانون جدید به رئیس جمهور آمریکا اختیار می دهد که هر شخص رسماً مشمول تحریمها را بشرط انطباق با امنیت ملی آمریکا، از زیر تأثیر تحریمها آزاد نماید.

اعمال محدودیت در فروش فن آوری پیشرفته مرتبط با اکتشاف، استخراج و تصفیه نفت و گاز، بخش اصلی تحریمهای اقتصادی را تشکیل می دهد. علاوه بر آن، برقراری محدودیت قابل ملاحظه در صدور کالاهای نظامی و دو منظوره به روسیه، و همچنین عدم همکاری با روسیه در امر تولید چنین کالاها توسط مؤسسات روسیه پیش بینی می شود. در نهایت، طرح «اقدام برای پیشگیری از تهاجم روسیه» تقلیل موشکهای حامل کلاهکهای هسته ای را که آمریکا می بایست بر اساس قرارداد «تسلیحات تهاجمی استراژیک-۳» (موسوم به شروع جدید. م.) کاهش دهد، ممنوع کرده است.

قانونگذاران آمریکائی تصمیماتی هم برای توسعه «جامعه مدنی» در روسیه (در جهت منافع آمریکا) اتخاذ کرده اند. این قانون، برای روزنامه نگاران، کنشگران سیاسی و مدنی و مخالفانی که قصد دارند از آمریکا پناهندگی بگیرند، به مهاجرت سیاسی بروند یا به آمریکا سفر کنند، گسترش خدمات کنسولی نیز در نظر گرفته است. رزمندگان آمریکایی بر علیه «تهاجم روسیه» به گسترش مبادلات فرهنگی و آموزشی با «جامعه مدنی» روسیه اصرار می ورزند. این بند

فصیح پیشنویس بویژه حالب توجه است: «وزیر امور خارجه آمریکا باید مساعی خود را در جهت بهبودی مدیریت دمکراتیک، شفافیت، مسئولیت، حاکمیت قانون و تلاشهای ضد فساد؛ تحکیم نهادهای دمکراتیک، سازمانهای سیاسی و مدنی در فدراسیون روسیه؛ دسترسی آزاد به اینترنت در روسیه؛ بهبودی دسترسی آزاد و نامحدود به رسانه های جمعی مستقل، از جمله، بطریق افزایش پخش برنامه های رادیو و تلویزیونهای مورد حمایت دولت آمریکا در روسیه، و همچنین، ارتقاء سطح دفاع از روزنامه نگاران و فعالان مدنی تحت تعقیب بخاطر بیان افکار خود در فدراسیون روسیه، بطور مستقیم یا از طریق سازمانهای غیردولتی تشدید نماید». با این وجود، جالب است که برخی فلانی زاده ها باز هم خواهند گفت که همه اشاره ها به «دست» وزارت امور خارجه آمریکا در پشت سازمانهای غیردولتی روسیه یک تهمت بی شرمانه است.

خلاصه، پیشنویس قانون جدید، تحویل انواع مختلف جنگ افزارهای آمریکائی، حتی موشک های ضد تانک و ضد هوایی به اوکراین را که پاراشنکو و پاروبی از مدتها پیش التماس می کنند، مجاز اعلام می کند. برای انجام این منظور، ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۴ تخصیص یافته است. علاوه بر این، بر اساس این قانون به اوکراین، مولداوی و گرجستان حقوق متحد کلیدی آمریکا- غیر عضو ناتو (major non-NATO allies) اعطاء می شود. کمک مؤسسات مالی آمریکا برای اطمینان از امنیت انرژی اروپا و آوروآسیا به اکتشاف، توسعه و حمل و نقل مولدهای انرژی در اوکراین، گرجستان و مولداوی پیش بینی شده است.

بطور کلی، این لایحه حاوی اقدامات بالقوه دردناک برای روسیه می باشد. اما در عین حال، در متن آن فرمولبندیهای مبهم و ساده زیادی وجود دارد، که رئیس جمهور آمریکا یا اعضای کابینه او را به انجام ارزیابی و برآورد اوضاع، انتخاب این یا آن گزینه ملزم می سازد. بعبارت دیگر، این پیشنویس قانون اقدامات تنبیهی مشخصی را پیش بینی نکرده است و خود این، گواه صحت نگرش ما به این واقعیت است، که مبارزه سیاسی داخلی آمریکا در خصوص تنظیم مناسبات با روسیه ادامه دارد، و نتیجه این مبارزه را نمی توان از پیش تعیین شده دانست.

حواشی مترجم:

تحریم، تحریم، تحریم!

آمریکا کشور ... را تحریم کرد؛ آمریکا کشور ... را محاصره اقتصادی کرد؛ آمریکا بیش از ۵۵ است سال کوبا را محاصره اقتصادی کرده است... تحریمهای آمریکا بر علیه عراق باعث کشته شدن ۶۰۰ هزار کودک عراقی شد...؛ پیامد تحریمهای آمریکا علیه ایران چنین و چنان است... و

اکنون گستاخی آمریکا تا حدی شدت یافته، که وسیع ترین کشور جهان، روسیه را هم تحریم می کند...

صرفنظر از قوت و ضعف همه تجزیه و تحلیلها پیرامون تحریمهای آمریکا (بزعم ماشین تبلیغاتی خودش، جامعه جهانی) علیه این یا آن کشور و یا برآورد نتایج آنها، همواره صورت اصلی مسئله پاک می شود و از نظرها پنهان می ماند.

صورت مسئله، بنظر می رسد باید عبارت از این باشد که آمریکا به چه حقی و با اتکاء بر کدام اهرمها و ابزارها می تواند این یا آن کشور جهان را تحریم یا محاصره اقتصادی بکند؟ اهرمها و ابزارهای اصلی آمریکا برای وضع تحریمها علیه کشورهای مختلف و اعمال سلطه فاشیستی خود در جهان سه تا است: اول- کاغذهای سبز بنام دلار، دوم- توان نظامی آن با قریب ۹۰۰ پایگاه نظامی- تروریستی واقع در ۱۵۰ کشور جهان و سوم- ابزارهای مالی امپریالیستی متشکل از سه مؤسسه کازینویی [بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی].

با این وصف، پرسش بعدی این است، که چگونه می توان این اهرمها و ابزارهای آمریکا را در هم شکست؟

برای تحقق این امر، بگمانم، مردم و ملتهای ستمدیده جهان در اولین اقدام، باید دولتهای حاکم خود را به منع استفاده از دلار- سر منشاء شر جهانی- بعنوان ذخیره ارزی و ارز قابل مبادله جهانی وادار نمایند. همین اقدام، پیش از همه، باعث ورشکستی سریع اقتصاد آمریکا، از کار افتادگی ماشین تبلیغاتی و تعطیلی فوری صدها پایگاه نظامی- تروریستی آن در سراسر جهان خواهد گردید. در پی آن، انحلال سه اهرم دیگر امپریالیستی [بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی] براحتی میسر، و بشریت جهان از شر تحریمهای ضد انسانی و بطور کلی از زیر دیکتاتوری رژیم فاشیستی آمریکا که نقش راهزن بین المللی را باز می کند، خلاص خواهد گردید.

انتظار می رود متخصصان و صاحبان نظران مسائل جهانی، رویکردهای کارآمدتر، و یا راه و روشهای مؤثرتر و کوتاهتری را پیشنهاد نمایند.